

کلیسا و بازگشت مسیح درس ۲: کلیسا: واحد و مقدس دکتر آر. سی. اسپرول

حالا درحالی که به درس‌مون درباره‌ی کلیسا ادامه می‌دیم، می‌خوام امروز یک کار اساسی انجام بدم، اما باید اعتراف کنم که به طرفش کشیده شدم، و اون هم اینه که می‌خوام این کت رو دربیارم، چون تا وقتی که از این تخته سیاه و گچ استفاده می‌کنم، هر کاری که بکنم، باز هم گرده‌های گچ روی من می‌شینند و توجه مخاطبین توی استدیو را تا انتها می‌خواهد به خودش جلب می‌کنه.

پس حساسیت من از بین رفته، نفسم داره بند میاد که می‌خوام اینو دربیارم و وانمود کنم که این برنامه‌ی محله‌ی آقای راجرز، اما سرتاپای کتم گچی نمیشه. حالا، این یک روز شگفت‌انگیز در محله هست. شما نمی‌خواید همسایه‌ی من بشید؟"

خب. ما ماهیت کلیسا رو مطالعه می‌کنیم؛ و در جلسه‌ی آخرومون، به کلیسای مرئی و نامرئی پرداختیم، به مفهوم کلمه‌ی "کلیسا" و مفهوم کلمه‌ی "اکلیسیا" پرداختیم و حالا می‌خوایم به بعضی از مشخصه‌های کلیسا نگاه کنیم که در آن دیده میشه.

اما قبل از اینکه اینکار را انجام بدهم، چند تصویر از کلیسا را می‌بینیم. همه‌ی ما می‌دونیم که عهدجدید از استعاره‌های متفاوتی برای توصیف کلیسا استفاده می‌کنه. یکی از استعاره‌هایی که بارها می‌بینیم، استعاره‌ی بدن انسانه که به طور خلاصه در هنگام بررسی مفهوم روح‌القدس و نحوه‌ی استفاده از تصویر بدن توسط پولس رسول به اون پرداختیم که درباره‌ی اتحاد و گوناگونی صحبت می‌کنه که در کلیسای مرئی مسیح یافت میشه.

همه، وظیفه‌ی یکسانی ندارند، همه عطیه‌ی یکسانی ندارند، ولی همه‌ی این وظایف و عطایا داده شده تا سلامتی طبیعی رو برای کل بدن فراهم کنه، که زیر پوشش سر کلیساست که خداوند عیسی مسیح. و این تصویر بدن، از بسیاری جهات برای ما آموزنده هست. این نشون میده که کلیسا متحد و متنوع هست، و من تا لحظاتی دیگه کمی بیشتر بررسی‌اش خواهم کرد.

هم‌چنین، تصویری دیگه‌ای که برای کلیسا در عهدجدید بکار رفته، اینه که کلیسا "لائوس تئوس" یا "لائوس تئو" نامیده شده. "لائوس" اسم کشوری در آسیای جنوب شرقه، اما این جا من از مفهوم یونانی استفاده می‌کنم که یعنی "قوم خدا". ما کلمه‌ی "لائیک" رو از کلمه‌ی یونانی "لائوس" می‌گیریم و قوم خدا، صرفاً قومی هستند که با هم در یک گروه جمع شدند که ما اون رو کلیسای مرئی می‌نامیم.

معلومه که مسیحیت، فردگرایی ناهنجار رو تأیید نمی‌کنه. هیچ کس بوسیله‌ی ایمان کس دیگه‌ای نجات پیدا نکرده. از این لحاظ، رستگاری شما بسیار فردی هست. شما باید ایمان شخصی‌تون رو داشته باشید. اما هر بار خدا یک نفر رو نجات میده، اون‌ها رو در یک گروه میذاره. او یک جمع را تشکیل میده. مثل جمع قوم اسرائیل در عهدعتیق، یک مجموعه یا بدن رو در عهدجدید می‌بینیم.

پس این بدن متشکل از انسان‌هاست. حالا تصویر دیگه‌ای که می‌خوام به طور خلاصه ذکر کنم، یکی از تکراری‌ترین تصاویری هست که در رابطه با کلیسا در عهدجدید به کار رفته که ما غالباً ازش چشم‌پوشی می‌کنیم. و اون تصویر ساختمانه. حالا شاید به خاطر این، ابروتون رو بالا بندازید، چون همیشه می‌شنوید که خادم میگه: "کلیسا ساختمان نیست.

آجر و ملاط نیست که استفاده می‌کنیم تا جلسات و مشارکت‌ها و غیره رو ادامه بدیم." شما می‌گید: "این کلیساست و به یک ساختمان اشاره می‌کنید." و می‌گید: "نه، نه، نه، کلیسا افرادی هستند که مشارکت دارند و در جماعت هستند، نه ساختمان." و این درسته.

به هر حال، وقتی عیسی و رسولان درباره‌ی ماهیت کلیسا در عهدجدید صحبت می‌کنند، از استعاره‌ی ساختمان استفاده می‌کنند. این که کلیسا ساختمان نیست، بلکه مثل ساختمانه. چون یک ساختمان محکم، یک زیر بنا داره و بعد ستون داره و سنگ و دیوار و غیره داره.

حالا اولین چیزی که در کتاب مقدس درباره‌ی کلیسا درک می‌کنیم، اساس اونه. و اگه به شما بگم: "استعاره‌ی اصلی برای اساس کلیسا چیه؟ اساس کیه؟" اکثر مسیحیان جواب میدن: "مسیح." و من میگم، نه، این درست نیست.

می‌دونید، کتاب مقدس به ندرت به مسیح به عنوان اساس کلیسا اشاره می‌کنه، بلکه میگه هیچ اساسی نمی‌تونه برپا بشه، مگر اساسی که در مسیح باشه. اما استعاره‌ی اصلی مسیح در مورد ساختمان، اینه که او سنگ زاویه است. او سنگ زاویه است.

اساس کلیسا بر اون قرار گرفته. اما استعاره‌ی اصلی اساس در کتاب مقدس اینه که اساس کلیسا، رسولان و انبیا هستند. این پایه‌ی کلیساست که مسیح، سنگ زاویه اصلی اونه. و بعد بقیه‌ی کلیسا از سنگ‌های جداگانه تشکیل شده. و این سنگ‌ها کی هستند؟ ما هستیم. هر کسی که به مسیح ایمان داره و عضوی از کلیسای مرئی هست، یکی از سنگ بناهای کلیسای خداست.

این قیاسی هست که این جا به کار می‌بریم. حالا، همون طور که قبلاً گفتم، دل‌سردی‌های زیادی در رابطه با کلیسای سازمانی در زمان ما وجود داره. و مردم به طرق بسیار احساس می‌کنند که کلیسا قدیمی شده، واقعاً سهم مهمی رو ایفا نمی‌کنه.

بعضی اعلام کردند که کلیساها فقط مقبره‌ی مذهب منسوخ شده هستند، چون ما در عصر پس از مسیحیت زندگی می‌کنیم. عده ای دیگر گفتند کلیسا مملو از فساد و ریاکاری هست و احترامش رو بین آدم‌ها از دست داده. پس دوباره این سؤال رو بر اساس دیدگاهمون در پایان قرن ۲۰ می‌پرسیم، خصوصیات یا ویژگی‌های اصلی کلیسای مسیح چیه؟

ما می‌تونیم به تاریخ برگردیم، به قرن چهارم که کلیسا با چهار صفت یا ویژگی متمایز تعریف شد. جایی که کلیسای عیسی مسیح "واحد، مقدس، جامع و رسولانی" نامیده شد. من دوست دارم زمانی رو به بررسی این خصوصیات اختصاص بدم که در کلیسا از همون اوایل تاریخ مسیحیت مقرر شد.

چون این نادره، مخصوصاً بین پروتستان‌ها و حتی به طور مشخص تر بین پروتستان‌های بشارتی زمان ما که از این اصطلاحات برای توصیف کلیسای عیسی مسیح استفاده کنند. منظورمون چیه که می‌گیم کلیسا "واحد، مقدس، جامع و رسولانیه" هست.

خُب، بیایید با اولی شروع کنیم. وقتی می‌گیم کلیسا واحده، منظورمون چیه؟ حالا، ما در این طرف به اصطلاح جنبش اتحاد کلیساها زندگی می‌کنیم که تلاش‌های پر شور و حرارتی در رابطه با ایجاد یک سازمان مسیحی مرئی و جهانی وجود داشته. حالا، انگیزه‌های متعددی برای این هست، اما دو تا از انگیزه‌های اخیر برای اتحاد کلیساها که در در زمان ما بررسی شده، شامل چنین چیزهایی هست: (۱) رسوایی بزرگ تاریخ کلیسا، تکه تکه شدن و جدایی‌ها در کلیسای متحد و مرئی هست. که مردم به اطراف نگاه می‌کنن و می‌گن: "میشه لطفاً کلیسای واقعی بلند بشه؟" چون همه ادعا می‌کنند که کتاب مقدس رو به درستی تفسیر می‌کنند، ولی در ایالات متحده، بیش از دوهزار فرقه‌ی مختلف پروتستان هست. و این برای مردم گیج کننده هست.

اگه کلیسا می‌تونست با یک خداوند، یک ایمان، یک تعמיד، به‌طور متحد با دنیا ارتباط برقرار کنه، چه قدر تأثیرگذارتر می‌شد، وقتی همه با هم هماهنگ باشند. اونوقت دوباره کاری نبود، پول هدر نمی‌رفت و این همه مشاجرات درونی بین فرقه‌ها و گروه‌های کلیسایی نداشتیم.

پس می‌دونید، بسیاری می‌خوان از طریق ایجاد اتحاد در کلیسا، بر این رسوایی تعدد کلیسا غلبه کنند. یک انگیزه‌ی قوی دیگر در هر زمانی که وارد مباحثه درباره‌ی اتحاد کلیسا می‌شیم، اینه که یک نفر بلافاصله کل این سؤال رو درباره‌ی دعای کاهن اعظم گونه‌ی عیسی مسیح پیش می‌کشه.

وقتی در بالاخانه، در اعمال، ببخشید در یوحنا باب ۱۷، وقتی مسیح برای شاگردان و کلیساش، دعای شفاعت کرد، دعا کرد که اون‌ها هم همون‌طور که پدر و او یک هستند، با هم یک باشند. پس یک نبودن ما رسواکننده تره، چون برخلاف تمایل و خواسته‌ی مشخص سر کلیسا، عیسی مسیح.

ولی در آون روزهای اول، کلیسا واحد خوانده می‌شد و معمولاً در آون زمان وقتی مردم به کلیسای مرئی فکر می‌کردند آون‌ها فکر می‌کردند تنها کلیسای راستین و مرئی باید کلیسای کاتولیک روم باشه و الی آخر. اما ما می‌دونیم که این وجود نداره.

در دنیای امروز ما، اتحاد کلیسای مرئی وجود نداره. آیا به این معناست که الف) هیچ اتحادی در کلیسای حقیقی نیست؛ و ب) مسیح به عنوان شفیع ما شکست خورد؟ نه، اگه واقعاً به مفهوم کلیسای نامرئی به آون شکلی که آگوستین توضیح داد، اعتقاد داشته باشید. چون یک اتحاد موجود، معتبر، واقعی و اصیل در کلیسای عیسی مسیح هست. و این اتحاد در بین فرقه‌های مختلف و در مشارکت نامرئی، در مشارکت مقدسین، یافت میشه که قبلاً بهش اشاره کردیم.

وقتی در بخش نجات شناسی درباره‌ی مفهوم در مسیح بودن صحبت کردم، این ایده‌ی کلیسا به عنوان "کامیونیو سانکتوروم" رو از پیش عنوان کردم. ما در ادامه وقتی به مقدس برسیم، به "سانکتورام" رسیدگی خواهیم کرد. اما "کامیونیو"، عبارتی در اعتقادنامه‌ی رسولانه که میگه: "من به مشارکت مقدسین ایمان دارم."

این نمیکه "من به آیین شام خداوند ایمان دارم." این درباره‌ی مشارکت بی وقفه صحبت می‌کنه که بین همه‌ی مسیحیان واقعیه که به خاطر اتحاد مشترکشون در مسیحه. همون طور که گفتم، هر کسی که مسیحی هست، در مسیحه و مسیح در اوست.

و نه تنها این اتحاد رازآلود برای افرادی مثل من یا شما در رابطه‌ی شخصی با مسیح کاربرد داره، بلکه اگه شما با مسیح اتحاد رازآلود دارید و همسایه‌تون با مسیح اتحاد رازآلود داره، پس شما به طور گسترده، یک اتحاد دارید، اتحاد روحانی با همسایه‌تون، چون محور این اتحاد در خود مسیحه.

پس یک اتحاد روحانی بین کلیسای نامرئی در این دنیا وجود داره. و این نباید کم اهمیت تلقی بشه. وقتی می‌گیم مسیح به خاطر ما یا هر دلیلی در دعاش شکست خورد، من این نوع تفکر رو دوست ندارم. یعنی نمی‌تونم فکر کنم کاهن اعظم والامقام ما در دعای شفاعتیش، شدیداً شکست بخوره. به نظرم چیزی که مسیح براش دعا کرد، جواب داده شد.

اتحادی هست که همه‌ی مسیحیان، الان از آون لذت می‌برند، اتحاد در مأموریتی که ما اساساً یک خداوند، یک ایمان و یک تعمیم داریم. و من می‌پذیرم که ما در کلیساهای مرئی، عدم اتحاد رو داریم، و به نظرم این مهمه، به هیچ عنوان بی اهمیت نیست. اما به اندازه‌ی واقعیت اتحادی که به خاطر مشارکت مشترکمون در مسیح و کلیسای نامرئی از آون لذت می‌بریم، مهم نیست.

به عبارت دیگه، الان باید بگیم کلیسای مرئی، واحد نیست. خیلی زیاده. اما کلیسای نامرئی، واحده و نباید این رو خوار بشماریم. و گاهی اوقات بعضی از انگیزه‌ها برای اتحاد مرئی، خارج از دینداریه. و نکته طعنه آمیزش اینه که

هر بار که دو کلیسا باهم ادغام میشن، به جای یک کلیسا، سه کلیسا دارید. همیشه دو گروه رو دارید که با هم ادغام شده و یکی میشن.

شما همیشه بخشی از این دو گروه رو دارید که ناراضی هستند و میرن و ادامه میدن و کلیسای خودتون رو شروع می‌کنند. حالا شما گروه متحد رو دارید و شما سه کلیسای مرئی دارید، در حالی که فکر می‌کردید که می‌خواید یک کلیسا داشته باشید. این هر بار اتفاق می‌فته. اما به هر حال، به این معنا هم هست که به برای موضوع اتحاد، باید با جدیت و تلاش کامل برای حفظ اتحاد با مسیحیان معترف دیگه احساس وظیفه کنیم.

نه با ساده لوحی. بعضی وقت‌ها باید با گروه‌ها و سازمان‌های دیگه مشارکت خودتون رو قطع کنید. و یا باید مشخص کنید که تا چه اندازه می‌تونید با اون‌ها همکاری کنید. اما به طور کلی، نگرش اولیه‌ی ما باید تلاش کامل باشه تا با هر تعداد مسیحی معترفی که می‌تونیم، یکی بشیم. کلیساها به راحتی به خاطر خیلی چیزها از هم جدا میشن و غالباً به خاطر مسائل اساسی و واقعی نیست.

منظورم اینه که به طور قطع درباره‌ی اصول انجیل مذاکره نمیشه کرد. اما این که به خاطر موضوعات کوچیک ایمان گلوی هم‌دیگر را فشار می‌دید به موضوع جدید. خُب، ما می‌بینیم که کلیسا نه تنها از این لحاظ واحده، بلکه مقدس هم هست. ما چه‌طور می‌تونیم در دنیا به کلیسای مرئی نگاه کنیم و اون رو مقدس بخونیم؟

به نظرم از یک دیدگاه، باید بگید کلیسا فاسدترین سازمان روی زمین. شما می‌گید: "یک لحظه صبر کنید. این کمی افراطی هست. آیا فکر نمی‌کنید همکاری در قتل، فاسدتره یا دولت فدرال، فاسدتر از کلیسای مسیحیه؟" بستگی به این داره که چه‌طوری فساد رو تعیین و ارزیابی می‌کنید.

روش خدا اینه: "به هر کسی که عطا زیاده شود از وی مطالبه زیادتر گردد." و فساد به طور نسبی، با عطایا و هدفش سنجیده میشه. هیچ سازمانی در این زمین به اندازه‌ی کلیسای مسیحی، عطایای نداشته. به هیچ سازمانی بیشتر از کلیسای مرئی عیسی مسیح، مأموریت مقدس داده نشده.

چیزی که اینجا می‌گم اینه که وقتی ما از این مأموریت اطاعت نمی‌کنیم و اجازه می‌دیم فسادهای جسم وارد این سازمان بشه، پس این به طور نسبی، فاسدتره. ولی این جا درباره‌ی بسیاری از کلیساهای محلی و غیر رسولانی کاملاً فاسد صحبت نمی‌کنیم، حرف ما این نیست. ما هنوز می‌گیم کلیسا مقدسه. چرا؟ چرا مقدسه؟

اول از همه، مفهوم اولیه‌ی اصطلاح "مقدس" در کتاب مقدس هست جدا شده، تقدیس شده. دوباره، تعریف اکلیسیا، یعنی کسانی که فراخوانده شدند. از دنیا جدا شدند، کسانی که برای مأموریت مقدس تقدیس شدند، بخشی از این سازمان هستند، پس کلیسا مقدسه، تا اون جا که کلیسا رسالت مقدسی داره. کلیسا یک مأموریت مقدس داره.

و تنها سازمان در تاریخ دنیاست که خدا بهش تضمین کامل داده که در نهایت شکست نخواهد خورد. هیچ کس نمیگه دروازه‌های جهنم بر جنرال موتور چیره نخواهد شد. یا بر ایالات متحده‌ی آمریکا. یا بر امپراطوری روم. این سازمان‌ها میان و میرن. اما کلیسای عیسی مسیح باقی خواهد ماند.

حالا، البته باید به سرعت بگم که اشاره‌ی من به دروازه‌های جهنم، اینه که البته دروازه‌های جهنم، حالت دفاعی دارند، دروازه‌ها در دوران باستان، مکانیسم‌های دفاعی بودند، و وقتی عیسی گفت دروازه‌های جهنم بر کلیسای او چیره نخواهند شد، یعنی کلیسا فراخوانده شده که ارتش مهاجم باشه که بر قلعه‌های شیطان حمله کنه و شیطان نمی‌تونه در برابر قدرتی که به کلیسای مرئی اختصاص داده شده که مسیح برپا کرده، ایستادگی کنه.

خُب، کلیسا از چه لحاظ دیگه‌ای مقدسه؟ اون مقدسه چون سازمانی هست که اساساً از کسانی تشکیل شده که خدای روح‌القدس در اون‌ها ساکنه. این سازمان روح‌القدسه. حالا شما می‌تونید ببینید روح‌القدس در زندگی انسان‌ها در بسیاری از سازمان‌های دیگه کار می‌کنه، اما یک سازمان در این دنیا که نقطه‌ی کانونی تمرکز خدمت خدای روح‌القدسه، کلیساست.

اگه از شما می‌پرسیدم: "کجا به مسیح ایمان آوردید؟" خیلی از شما می‌گفتید: "من خارج از کلیسای مرئی، مسیحی شدم". من خارج از کلیسای مرئی مسیحی شدم. به هر حال، اولین بار، کتاب مقدس و حقیقت رو در داخل کلیسای مرئی شنیدم و اگه می‌خواستم به عنوان مسیحی تغذیه بشم، باید وارد کلیسای مرئی می‌شدم.

چون اگرچه طریق‌های فیض الهی خدا به کلیسای محلی و مرئی محدود نمیشه، اما در اون جا متمرکزه. به اسرائیل در عهدعتیق نگاه کنید. همه‌ی کسانی که در اردوگاه مرئی اسرائیل بودند، نجات نداشتند. پولس این نکته رو در رومیان توضیح میده. همه‌ی اسرائیل از اسرائیل نبودند.

و این جا افرادی بودند که غیراسرائیلی بودند و نجات می‌یافتند. پس پولس یک سؤال بدیهی می‌پرسه: پس یهودی بودن چه مزایایی داشت؟ و او چی میگه؟ هیچ مزیتی نداشت. نه، او میگه از بسیاری جهات، مزایای زیادی داشت. چون اون‌ها اول کلام خدا را دریافت کردند.

ما در کلیسا بیشترین تمرکز رو بر موعظه‌ی کلام، برگزاری آیین‌ها، پرستش خدا در جمع شدن‌های گروهی و غیره داریم. پس این جا خدمت روح‌القدس به طور انحصاری یافت نمیشه، بلکه متمرکزه. و این جا کسانی که روح در اون‌ها ساکنه، با هم در مشارکت، جمع میشن. تا آن جایی که این قلمروی اصلی روح‌القدسه و این جا مقدسین هستن، جایی که مقدسین جمع میشن؛ میشه گفت کلیسا واحد و مقدسه.